



دستگیری یک مظنون پرونده مرگ مشکوک

نخبه علمی

پسر جوانی به عنوان مظنون در مرگ مشکوک یکی از نخبگان علمی کشور بازداشت شد. متهم مدعی است شربت دست‌سازی ساخته‌بوده که دوستش پس از خوردن آن فوت کرده است.

به گزارش جوان، ساعت ۴:۴۰ بعدازظهر شنبه ۱۷ خرداد امسال قاضی مصطفی واحدی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلانتری ۱۳۴ شهرک غرب از مرگ مشکوک پسر جوانی در یکی از بیمارستان‌های تهران با خبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل شد.

نخستین بررسی‌های تیم جنایی نشان داد پسر فوت شده که فرهاد نام دارد، دانشجوی کارشناسی ارشد یکی از دانشگاه‌های صنعتی تهران و از نخبگان علمی شیمی است که ساعتی قبل به طرز مرموزی حالتی بد می‌شود و پس از انتقال به بیمارستان فوت می‌کند. از سوی دیگر مشخص شد یکی از دوستان پسر فوت شده به نام شهروز موضوع را به مأموران پلیس اطلاع داده و در ادعایی گفته‌است که فرهاد با مرگ بازاری اختلاف حساب داشته که پس از ملاقات با او، فرهاد با خوردن شربت حالتی بد و به بیمارستان منتقل می‌شود. همزمان با ادامه تحقیقات خانواده وی به دادسرای امور جنایی رفتند و اعلام کردند پسرشان با کسی اختلاف مالی نداشته و به مرگ پسرشان مشکوک هستند.

بازداشت اولین مظنون

کارآگاهان جنایی در یافتند بر خلاف ادعای شهروز، دوست و همکلاسی دانشگاهی فرهاد، روز حادثه عوامل اورژانس تهران پیکر نیمه جان فرهاد را از پارکینگ خانه او به بیمارستان منتقل کرده‌اند. همچنین مشخص شد شهروز آن روز وقتی از اورژانس در خواست کمک می‌کند و عوامل اورژانس هم در محل حاضر می‌شوند مدعی می‌شود که فرهاد را نمی‌شناسد و به صورت اتفاقی با پیکر نیمه‌جان او در پارکینگ خانه‌اش روبه‌رو شده و برای نجات وی با اورژانس تماس می‌گیرد. در چنین شرایطی مأموران پلیس که متوجه تناقض گویی‌های شهروز شده‌بودند وی را به عنوان مظنون در مرگ مشکوک پسر نخبه بازداشت کردند. وی در بازجویی‌ها در ادعایی گفت: من و فرهاد از دوران دبیرستان باهم همکلاسی بودیم. ما هر دو شاگرد اول کلاس و نخبه بودیم و همیشه در مسابقات علمی بهترین رتبه‌ها را کسب می‌کردیم. در طول دوران دبیرستان ما چند مرتبه در المپیادهای جهانی شیمی رتبه‌های بالایی آوردیم و در نهایت هم هر دو ما در یکی بهترین دانشگاه‌های تهران با رتبه عالی در رشته شیمی قبول شدیم.

وی ادامه داد: دوستی ما ادامه داشت به طوری‌که در چند پروژه علمی هم باهم همکاری می‌شدیم و چند سال قبل هم در دوره کارشناسی ارشد همان دانشگاه قبول شدیم و ادامه تحصیل دادیم.

ما علاقه زیادی به کارهای تحقیقاتی و علمی و پژوهشی داشتیم و به همین خاطر دوست داشتیم برای ادامه تحصیلات به آمریکا برویم. مدتی قبل فرهاد پس از گرفتن مدرک کارشناسی ارشدش از یکی از بهترین دانشگاه‌های آمریکا پذیرش گرفت. روز حادثه فرهاد برای خداحافظی و صحبت درباره آینده‌مان به خانه ما آمد. من از قبل شربت دست‌سازی برای خودم ساخته‌بودم که در آن مقداری مشروب و ماده‌ای به نام کلورفرم که ماده برای بی‌هوشی است به آن اضافه کرده بودم، چون از بوی ماده کلورفرم خیلی خوشم می‌آمد. من شربت دست‌ساز را داخل ظرف آبیوه مارک داری ریختم و روی میز بود و می‌خواستم این شربت دست‌ساز را امتحان کنم که فرهاد از راه رسید و گفت خیلی تشنه است. او ظرف شربت را برداشت و مقداری از آن را خورد و من هم به او نگفتم که داخل آن ماده کلورفرم اضافه کرده‌ام چون فکر می‌کردم تأثیر زیادی برای بدن ندارد که ساعتی بعد ناگهان فرهاد حالتی بد شد. در حالی که ترسیده بودم او را به دوش گرفتم و به پارکینگ خانه‌مان بردم تا با خودروام او را به بیمارستان برسانم که مشاهده کردم حالتش بدتر شده است و از طرفی هم وزنش سنگین‌بود و قادر به حمل آن نبودم که با اورژانس تماس گرفتم و درخواست کمک کردم.

وی گفت: ما نخبه کشوری هستیم و در طول رفاقت و زندگی‌مان در گیر کارهای تحقیقاتی و پژوهشی پوییم و به هرگز دنبال خوشگذرانی یا مصرف مشروبات الکلی نبودیم اما آن روز از روی کنجکاوی من برای خودم آن مایع دست‌ساز را ساختم و می‌خواستم آن را تجربه کنم که به صورت اتفاقی فرهاد هم بدون اینکه اطلاعی داشته باشد از آن خورد و حالتش بد شد. منتم در ادامه برای تحقیقات بیشتر به دستور قاضی واحدی در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت.

از سوی دیگر قاضی پرونده دستور داد پزشکی قانونی هر چه زودتر علت اصلی مرگ پسر نخبه را مشخص و اعلام کند که آیا ماده کلورفرم در مرگ فرهاد نقش داشته است یا نه. به تحقیقات درباره این حادثه ادامه دارد.

مرگ ۲چاه‌کن در قنات

دو مرد چاه‌کن هنگام کار در یکی از قنات‌های شهرستان سرخه دچار خفگی شده و جان باختند.

سرخهنگ «محمد مهربانی» فرمانده انتظامی شهرستان سرخه گفت: ساعت ۱۲:۲۵ روز گذشته مأموران پلیس از وقوع حادثه برای دو چاه‌کن ۷ کیلومتری پلیس‌راه سرخه به سمت «الاسجرد» با خبر شده و در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان داد که دو چاه‌کن ۴۲ و ۶۳ساله هنگام لایروبی قنات به علت دم‌نورد بودن فضای قنات و کمبود اکسیژن، دچار تنگی نفس شده و جانبران را از دست داده‌اند. بررسی‌های بیشتر در این باره ادامه دارد.

محاكمه عاملان قتل پسر پولدار بدون كشف جسد

چهار مرد جوان که از سه‌سال قبل به اتهام قتل پسر پولدار دستگیر شده‌اند، روز گذشته در جلسه دادگاه در حالی جرمشان را انکار کردند که هنوز جسد مقتول کشف نشده است.

به گزارش جوان، ۲۸ اسفندسال ۹۵، مرد سالخورده‌ای مأموران پلیس از ناپدید شدن پسر ۲۸ساله‌اش به نام سسامان باخبر کرد و گفت: «پسرم با دوستانش قرار ملاقات داشت. او از خانه بیرون رفت اما دیگر بازنگشت. وقتی با دوستانش تماس گرفتم آنها نیز از او اطلاعی نداشتند. نگرانم اتفاق بدی افتاده باشد.»

تحقیقات برای یافتن پسر جوان آغاز شد تا اینکه در روند تحقیقات مشخص شد خودروی پژوپارس پسر جوان به سرقت رفته و از کارت عابر او نیز چند میلیون تومان برداشت شده‌است. به این ترتیب پلیس با بررسی تلفن همراه سامان یکی از دوستان او به نام مراد را به عنوان اولین مظنون بازداشت کرد. او وای مدعی شد از سرنوشت دوستش اطلاعی ندارد.

شش‌ماه از حادثه گذشت تا اینکه مراد سرانجام لب‌به‌اعتراف گشود و به قتل سامان با همدستی سه نفر از دوستانش به نام‌های فرزین، فرشاد و شهروز اعتراف کرد. او در شرح ماجرا گفت: «آن روز فرشاد مهمان خانه‌ام بود. سامان از دوستان فرشاد و پسرر پولداری بود. به‌ه همین خاطر فرشاد با سامان تماس گرفت و خواست برایش پول بیاورد. همان موقع شهروز و فرزین هم که کاپیتان‌ساز بودند برای تعمیر به خانه‌ام حوالی میدان راه‌آهن آمدند. سامان با آژانس به خانه‌ام آمد و بعد از کشیدن شیشه‌ش شروع به مشاخره کرد که با او درگیر شدم. همان موقع فرشاد به کمکم آمد. وقتی درگیری بالا گرفت با چاقویی که همراهم بود یک ضربه به سرس سامان زدم.

فرشاد هم دستمالی را دور گردن سامان پیچید و او را خفه کرد.»

متهم در خصوص سرسرت گفت: «بعد از قتل، کارت عابر مقتول را برداشتم و همراه دوستانم

محوالات

سرویس حوادث ۸۸۹۸۴۳۵



گردن هم انداختند. به این ترتیب پرونده برای انجام تحقیقات بیشتر به دادسرا فرستاده شد. با گذشت سه سال از حادثه صبح دیروز مظنمان فرزین و شهروز با قبول اتهام سرقت اما قتل را باپای پی‌اس میز محاکمه قسار گرفتند. ابتدای جلسه اولیای دم در خواست قصاص کردند. سپس فرشاد در جایگاه قرار گرفت و با انکار جرمش قتل را گردن دوستش مراد انداخت. مراد نیز گفت: «فرشاد قاتل است. ما وقتی خانه را ترک کردیم مقتول زنده بود. اتهام سرقت را

در جریان دادگاه فرهاد با اتهام سرقت اما قتل را باپای پی‌اس میز محاکمه قسار گرفتند. ابتدای جلسه اولیای دم در خواست قصاص کردند. سپس فرشاد در جایگاه قرار گرفت و با انکار جرمش قتل را گردن دوستش مراد انداخت. مراد نیز گفت: «فرشاد قاتل است. ما وقتی خانه را ترک کردیم مقتول زنده بود. اتهام سرقت را

ردپای مرد آشنا در پرونده جسد زن سوخته

به من گفت فرزین با او در حوالی کن سولفون قرار ملاقات گذاشته تا بدهی‌اش را پرداخت کند. آن روز قرار بودن هم‌راه‌مادرم به محل قرار بروم اما به دلیلی دیر به خانه رسیدم که خواهرم گفت فرزین به در خانه آمده و مادرم همراه او به محل قرار رفته است. من که نگران مادرم بودم با تلفن همراهش تماس گرفتم اما مادرم جواب نداد وساعتی بعدهم تلفن همراهش خاموش شد.

مأموران پلیس در ادامه با بررسی دوربین‌های مدارسته در یافتند فرزین روز حادثه با خودروی پژوی همسرش به در خانه مقتول آمده و او را سوار کرده است. بدین ترتیب مأموران برای تحقیق از فرزین راهی خانه او شدند که مشخص شد وی پس از حادثه به مکان نامعلومی گریخته است.

بنابراین هم‌زمان با ادامه تحقیقات درباره این حادثه فرزین به عنوان مظنون در قتل زن میانسال به دستور قاضی واحدی تحت تعقیب قرار گرفت.

داشت که سال ۹۰ به قیمت یکمیلیارد تومان به زنی به نام شهزوه فروخت. آن زمان شهزوه مغازه را برای پسرش فرزین که با خواهر یکی خوانندگان معروف پاپ کشور ازدواج کرده‌بود، خرید و به همین خاطر فرزین چند فقره چک برای خرید مغازه داد و مادرم به آنها اعتماد کرد. آنها مقداری از پول مغازه را پرداخت کردند، اما چک‌های بعدی آنها وصول نشد و همین موضوع باعث اختلاف مادرم و فرزین شد. مادرم از او در دادگاه شکایت کرد.

از طرفی فرزین هم به اتهام حمل موادمخدر در شهرستان ساری دستگیر شد و به زندان افتاد به همین سبب پرونده شکایت مادرم همچنان باز بود و منتظر بودیم که فرزین از زندان آزادشودو دادگاه به آن رسیدگی کند تا اینکه مدتی قبل به خاطر بیماری کرونا متوجه شدیم. فرزین با گذشتن ثقیفه‌از زندان آزاد شد. ساعتی پس از این فرزین چند باری با مادرم تماس گرفت و درباره اختلاف مالی‌شان باهم حرف زدند تا اینکه روز حادثه مادرم

زن ناشناس برای شناسایی هویت به پزشکی قانونی فرستاده شد. بدین ترتیب مأموران پلیس پرونده افراد گمشده را بررسی کردند که در یافتند خانواده‌ای روز حادثه به کلانتری ۱۰۱ تجریش رفته و اعلام می‌کنند مادرشان به نام حمیده به طرز مرموزی گمشده است.

از آنجایی که مشخصات زن گمشده با مقتول شباهت زیادی داشت مأموران خانواده‌وزن گمشده را به پزشکی قانونی دعوت و آنها هم در پزشکی قانونی جسد مادرشان را از روی انگشتز طلای او شناسایی کردند.

رد یک مظنون در قتل زن میانسال
یکی از اعضای خانواده حمیده درباره حادثه گفت: روز حادثه مادرم با مسردی به نام فرزین قرار ملاقات داشت تا درباره اختلاف مالی که با هم داشتند، حرف بزنند که پس از خارج شدن از خانه ناپدید شد و ما به کلانتری تجریش رفتیم و اعلام مفودی کردیم. وی در توضیح ماجرا گفت: مادرم مغازه‌ای در میدان امام حسین

محاكمه عاملان قتل پسر پولدار بدون كشف جسد

چهار مرد جوان که از سه‌سال قبل به اتهام قتل پسر پولدار دستگیر شده‌اند، روز گذشته در جلسه دادگاه در حالی جرمشان را انکار کردند که هنوز جسد مقتول کشف نشده است.

به گزارش جوان، ۲۸ اسفندسال ۹۵، مرد سالخورده‌ای مأموران پلیس از ناپدید شدن پسر ۲۸ساله‌اش به نام سسامان باخبر کرد و گفت: «پسرم با دوستانش قرار ملاقات داشت. او از خانه بیرون رفت اما دیگر بازنگشت. وقتی با دوستانش تماس گرفتم آنها نیز از او اطلاعی نداشتند. نگرانم اتفاق بدی افتاده باشد.»

تحقیقات برای یافتن پسر جوان آغاز شد تا اینکه در روند تحقیقات مشخص شد خودروی پژوپارس پسر جوان به سرقت رفته و از کارت عابر او نیز چند میلیون تومان برداشت شده‌است. به این ترتیب پلیس با بررسی تلفن همراه سامان یکی از دوستان او به نام مراد را به عنوان اولین مظنون بازداشت کرد. او وای مدعی شد از سرنوشت دوستش اطلاعی ندارد.

شش‌ماه از حادثه گذشت تا اینکه مراد سرانجام لب‌به‌اعتراف گشود و به قتل سامان با همدستی سه نفر از دوستانش به نام‌های فرزین، فرشاد و شهروز اعتراف کرد. او در شرح ماجرا گفت: «آن روز فرشاد مهمان خانه‌ام بود. سامان از دوستان فرشاد و پسرر پولداری بود. به‌ه همین خاطر فرشاد با سامان تماس گرفت و خواست برایش پول بیاورد. همان موقع شهروز و فرزین هم که کاپیتان‌ساز بودند برای تعمیر به خانه‌ام حوالی میدان راه‌آهن آمدند. سامان با آژانس به خانه‌ام آمد و بعد از کشیدن شیشه‌ش شروع به مشاخره کرد که با او درگیر شدم. همان موقع فرشاد به کمکم آمد. وقتی درگیری بالا گرفت با چاقویی که همراهم بود یک ضربه به سرس سامان زدم.

فرشاد هم دستمالی را دور گردن سامان پیچید و او را خفه کرد.»

متهم در خصوص سرسرت گفت: «بعد از قتل، کارت عابر مقتول را برداشتم و همراه دوستانم

داشت که سال ۹۰ به قیمت یکمیلیارد تومان به زنی به نام شهزوه فروخت. آن زمان شهزوه مغازه را برای پسرش فرزین که با خواهر یکی خوانندگان معروف پاپ کشور ازدواج کرده‌بود، خرید و به همین خاطر فرزین چند فقره چک برای خرید مغازه داد و مادرم به آنها اعتماد کرد. آنها مقداری از پول مغازه را پرداخت کردند، اما چک‌های بعدی آنها وصول نشد و همین موضوع باعث اختلاف مادرم و فرزین شد. مادرم از او در دادگاه شکایت کرد.

از طرفی فرزین هم به اتهام حمل موادمخدر در شهرستان ساری دستگیر شد و به زندان افتاد به همین سبب پرونده شکایت مادرم همچنان باز بود و منتظر بودیم که فرزین از زندان آزادشودو دادگاه به آن رسیدگی کند تا اینکه مدتی قبل به خاطر بیماری کرونا متوجه شدیم. فرزین با گذشتن ثقیفه‌از زندان آزاد شد. ساعتی پس از این فرزین چند باری با مادرم تماس گرفت و درباره اختلاف مالی‌شان باهم حرف زدند تا اینکه روز حادثه مادرم

درخواست قصاص برای برادر خطاکار

با و پشت به سر پدرم کویدیم. خانه‌ما در طبقه پنجم بود. پدرم وقتی مرا با چاقو دید به پایین فرار کرد و من هم او را دنبال کردم تا اینکه در راه به پله طبقه دوم با ضربه چاقو او را کشتم.»

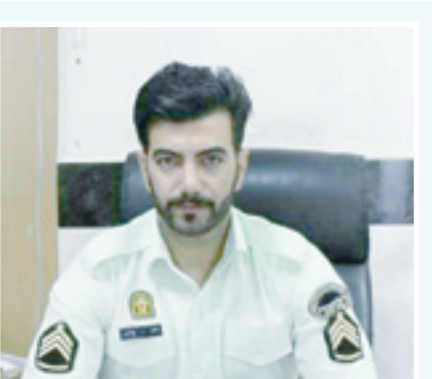
با این ادعا خانواده رحیم مورد تحقیق قرار گرفتند و خواهر او به عنوان مطلع به مأموران گفت: «برادرم سال‌هاست بیماری اعصاب و روان دارد و چند بار در بیمارستان روانی امین‌آباد بستری شده‌بود. آن روز رحیم در اتاقش استراحت می‌کرد و با صدای بلند آهنگ گوش می‌داد. پدرم به او اعتراض کرد و اتهام قتل را بر گردن او قتل پدرم شد.» دختر جوان در ادامه گفت: «برادرم مدتی قبل بدین شده بود و می‌گفت پدر و مادرم والدین واقعی او هستند اما او را بزرگ نکرده‌اند. رحیم فکر می‌کرد زن و مردی دیگری او را بزرگ کرده‌اند و مدعی بود پدرم قاتل آنهاست. به همین خاطر می‌گفت قصد دارد انتقام خون آنها را بگیرد. آن روز پدرم وقتی دید حال رحیم خوب نیست، از خانه بیرون رفت و در حالی که از او پله‌ها قصد فرار

داشت در طبقه دوم شکار برادرم شد و رحیم با چند ضربه متعدد پدر پیرم را کشت. فریادهای من هم برای کمک از همسایه‌های خانه او فایده بود.»

با ثبت این اظهارات و نظر کارشناسان پزشکی قانونی مبنی بر سلامت روانی متهم، رحیم روانه زندان شد و پرونده به دادگاه کاشان فرستاده شد. صبح دیروز متهم در شعبه دهم مقابل هیئت قضایی به ریاست قاضی متین راسخ قرار گرفت.

ابتدای جلسه دختر مقتول درخواست قصاص کرد. سپس پسر مقتول که به اتهام حمل مواد مخدر از زندان به دادگاه اعزام شده بود، اعلام گذشت کرد. در ادامه متهم در جایگاه قرار گرفت و با اقرار به جرمش درباره انگیزه قتل گفت: «در دادسرا به خاطر مشکلات روحی که داشتم آن حرف‌ها را زدم. آن روز به خاطر صدای بلند آهنگ با پدرم درگیر شدم و او را در پله‌های خانه به قتل رساندم. پشیمان هستم و درخواست گذشت دارم.»

در پایان هیئت قضایی وارد شور شد.



مأمور پلیس زندگی بخشید

اعضای بدن یکی از مأموران پلیس که در جریان سانحه رانندگی به مرگ مغزی مبتلا شده‌بود به بیماران نیازمند اهدا شد. به گزارش جوان، سردار حاجی محمد مهدیان نسب، فرمانده نظامی استان لرستان گفت: استوار دوم «داوود یوسفوند» دو روز قبل در جریان سانحه رانندگی در محور خرم‌آباد به الستر مجروح و سپس به مرگ مغزی مبتلا شد که با رضایت خانواده‌اش، اعضای بدن وی به بیماران نیازمند اهدا شد.

مهار آتش در کارگاه چوب‌بری

حادثه آتش‌سوزی در کارگاه چوب‌بری، رنگ‌کاری و تزریق پلاستیک با تلاش آتش‌نشانان سه‌ایستگاه مهار شد.

به گزارش جوان، ساعت ۱۱۳۰ ظهر روز گذشته آتش‌نشانان سه‌ایستگاه از حادثه آتش‌سوزی در کارگاهی در مسیر جنوب به شمال بزرگراه باسینی، خیابان بیمارستان لوسانی، خیابان دولتشاهی باخبر شده و در محل حاضر شدند. بدالله مددی، معاون منطقه شش آتش‌نشانی توضیح داد: زمانی که به محل حادثه رسیدیم از سقف‌های شیروانی سوله دود و شعله زیادی به بیرون زبانه می‌کشید. وی افزود: شدت آتش‌سوزی به حدی بود که امکان ورود نیروهای عملیاتی بدون تجهیزات و دستگاه‌های تنفسی وجود نداشت و حتی ورود آتش‌نشانان به فضای درون کارگاه‌ها با توجه به عدم وجود حرارت بالای محیط با ریسک بالایی همراه بود. وی ادامه داد: آتش‌نشانان با قطع برق و گاز ساختمان به ایمن‌سازی محل حادثه پرداختند و به موازات آن با استفاده از تجهیزات انفرادی، دستگاه تنفسی و استفاده از چند بندلوله ابرسانی، عملیات خود را برای مهار آتش‌سوزی آغاز کردند.

وی افزود: تعدد کارگاه‌های موجود در این سوله و روشن شدن بدنه از اطراف آن عملیات آتش‌نشانان را با کندی و دشواری شدید مواجه کرده‌بود که نیروها با تلاش و کوشش فراوان پس از چهار ساعت تلاش توانستند این آتش‌سوزی را کاملاً مهار و از سرایت به قسمت‌های دیگر، جلوگیری کنند.

بازداشت رمالان مجازی به دست پلیس فرودگاه

فرمانده پلیس فرودگاه‌های کشور از بازداشت دو رمال خبر داد که با ایجاد صفحه در فضای مجازی از شهروندان کلاهبرداری می‌کردند.

سردار حسن مهری توضیح داد: مأموران پلیس فرودگاه کشور در بررسی فضای مجازی کاتالی با یکمیلیون عضو شناسایی کردند که در زمینه رمالی و جادوگری فعالیت می‌کرد. تحقیقات بعدی نشان داد که گردانندگان این کاتال با فریب دادن شهروندان از آنها کلاهبرداری می‌کنند بررسی‌های بیشتر نشان داد که گردانندگان این کاتال از دنبال‌کنندگان خود که عمدتاً از مشکلات روحی و روانی رنج می‌برند دهها میلیارد تومان کلاهبرداری کرده‌اند. همچنین مشخص شد که متهمان بعد از انجام مشاوره از طریق پست برای مشتریان خود ابزار آلت شیطان پرستی و جادوگری هم ارسال می‌کنند. بعد از به دست آمدن این اطلاعات بود که مخفیگاه متهمان در یکی از شهرهای شمالی شناسایی شد. تحقیقات میدانی نشان داد که متهمان هم خود را مشکلات روحی و روانی رنج می‌برند که آنها را بازداشت کردند. فر مانده پلیس فرودگاه کشور با بیان اینکه فقط در یک مورد متهمان از یکی از مراجعان مبلغ ۲۰۰میلیون تومان کلاهبرداری کرده‌اند، گفت: تحقیقات بیشتر در این باره جریان دارد.

گروگانگیری برای حل اختلاف مالی

چهار مرد وزن کسه در شهرستان نظرآباد کسج مردی جوان را به خاطر اختلاف مالی به گسروگان گرفته بودند بازداشت شدند.

سردار سیدجعفر حسینی، جانشین فرمانده انتظامی استان البرز گفت: چند روز قبل راننده خودروی در آزادراه کرج-فرزین، حوالی شهرستان نظرآباد با مرکز فوریت‌های پلیس ۱۱۰ تماس گرفت و گزارش یک آدم‌برایی را اعلام کرد. او گفت: سرشنشینان دو خودروی پژو و پراید، مرد جوانی را به شدت کتک زدند و او را خود بار برداند. با اطلاعاتی که این مرد در اختیار پلیس گذاشت، مأموران پلیس پلاک خودروهای پژو و پراید را در اختیار تیم‌های گشت پلیس قرار دادند تا اینکه ساعتی بعد خودروی پراید متوقف و راننده و سرشنشین آن که دو زن جوان بودند، بازداشت شدند. آنها در تحقیقات اولیه گفتند که خودروی حامل فرد گروگان از آنها جدا شده و به سمت ازادراه قم در حال حرکت است. بعد از به دست آمدن این اطلاعات بود که مشخصات خودرو در اختیار مأموران پلیس قم قرار گرفت و خودروی مورد نظر متوقف شد و هم‌زمان با راه‌ی گروگان راننده و سرشنشین بازداشت شدند. متهمان بازداشت شده در بازجویی‌ها به آدم‌برایی اعتراف کرده و گفتند که به خاطر اختلاف مالی دست به گروگانگیری زده‌بودند. تحقیقات بیشتر در این باره جریان دارد.

كشف محموله مخدر در تنه درخت

یک محموله تریاک از تنه درخت اکالیپتوس در شهرستان جهرم کشف شد.

به گزارش جوان، سردار رهام بخش حبیبی، فرمانده انتظامی استان فارس گفت: مأموران پلیس شهرستان جهرم در جریان بررسی‌های خود از انتقال محموله مواد مخدر به وسیله دو کامیون از استانی شرقی به سمت ایستگاه پلیس در جنوب مشهد، بررسی‌ها نشان داد که دو چاه‌کن ۴۲ و ۶۳ساله تریاک را که به صورت ماهرانه‌ای در تنه درخت اکالیپتوس جاسازی شده بود، کشف و دو متهم را بازداشت کردند.

بازداشت فروشندگان سلاح در اینترنت

رئیس باسگاه چهارم پلیس امنیت یا پینختا از دستگیری دو نفر از عوامل تهیه و فروش سلاح در اینترنت خبر داد.

سرخهنگ مهدی تاجیک گفت: مأموران پلیس در جریان تحقیقات خود موفق شدند، دو نفر از فروشندگان سلاح در فضای مجازی را در شهرستان کرمانشاه شناسایی و آنها را در تهران بازداشت کنند. وی گفت: در بازرسی از مخفیگاه متهمان مقداری سلاح و مهمات کشف شد و تحقیقات بیشتر در آنها در جریان است.